

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خسونت کورکورانہ مغایر منہج پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم برای تاسیس دولت خلافت است

متن سخنرانی داکتر عثمان بخاش رییس دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر در کنفرانس سالانہ خلافت در لبنان

(ترجمہ)



بعد از این که کفار دولت خلافت را نابود کردند و سیطره ی شان را بالای سرزمین های اسلامی گسترش دادند، تقاضا برای دین و تسلط آن به تعویق انداخته شد و قانون ساخته ی بشر بالای شان تحمیل گردید. این طبیعی بود، برای مسلمانان مخلصی که برای اعاده دوباره زنده گی اسلامی کار کنند، لیکن آن ها در اسلوب و طریقه بین خودشان مخالف هم بودند، با وجود آن که آن ها یک هدف داشتند که اعلاى کلمه الله سبحانه وتعالى، حفظ شریعت الله سبحانه وتعالى و تطبیق آن بود.

بعضی از آن ها فکر می کردند که تغییر از طریق تغییر تدریجی، با موجودیت نظام ساخته بشر با اشتراک در انتخابات پارلمانی و گرفتن پیمان های موقتی با طرفین اسلامی خواهد آمد. بعضی دیگری آن ها به اصلاح عقیده، در مبارزه با بدعت و گسترش علوم شریعت پرداختند، و بعضی دیگری آن ها جهاد را بهترین راه برای از بین بردن نظام های مستبد و تاسیس دولت اسلامی در جای خودشان می دانستند. من در سخنرانی اخیر خود بالای این نظریه که جهاد طریقه ای برای تاسیس دولت اسلامی است یا خیر؟ تمرکز خواهیم کرد. من به جزییات بالای راه پیمایی حرکت جهاد در مصر و آن چه که در سال ۱۹۹۷م اتفاق افتاد توقف نخواهم کرد که آن ها را از هدف و طریقه قبلی شان به عقب نشینی هدایت کردند و بعضی رهبران شان به طرفداری راه حل سازش با نظام موجود در مصر تغییر جهت دادند.

در حقیقت این اختلافات در طریقه برای تغییر مطلوب، منتج به کثرت در درک ماهیت اسلام و نظام سیاسی اش شده است. ما این جا نیامدیم تا به قاعده ی جهاد جزییات دهیم و آن چه که به عنوان جهاد دفاعی و جهاد تهاجمی و کشتن متجاوزین و دیگر چیزها خوانده شده است؛ بلکه گفتار ما برای نشان دادن طریقه شریعت اسلامی برای تاسیس دولت اسلامی بر منہج نبوت است. در قدم نخست این مورد قابل ملاحظه باشد که دولت یک نهاد اجرایی است که به امورات جامعه و امت بوسیله اجرای قواعد شریعت ناشی از شریعت اسلامی مبنی بر عقیده اسلامی توجه می کند.

عقیده اسلامی گواه بر آن است که هیچ معبودی لایق عبادت نیست؛ مگر الله سبحانه و تعالی که حضرت محمد صلی الله علیه و سلم پیامبر اوست و پیام اسلام که پیام تضمین شده ی اوست. این دین مافوق و برتر قوانین الهی گذشته است و این دین بر پیروان پیامبران قبلی؛ مانند: یهودی ها و عیسوی ها دستور می دهد که به دین توحید و یکتاپرستی بپیوندند که از این به بعد هیچ چیز از نزد آن ها قبول نخواهند شد.

قدرت اسلام برای موجودیت، ترویج، اطمینان دادن مردم خود از اعتقادات شان، اطمینان قلبی دادن به کسانی که جدیداً اسلام را در آغوش می گیرند و برپایی و حفاظت این نظام الهی واجب است. اسلام باید یک نظام داشته باشد، اسلام باید قدرت داشته باشد، اسلام باید جهاد داشته باشد و این ماهیت اسلام است که بدون آن نمی تواند دنیا را رهبری کند و نمی تواند دوام بیاورد. اسلام جهاد را برای تاسیس این امر الهی در زمین، برای تطبیق و حفظ آن حمل کرد. این شایسته آنست که جهاد را برای از بین بردن نظام های مستبد-که آن ها بر اساس اسارت انسان و غلامی انسان که انسان ها در آن ادعای الوهیت می کنند و به ناحق عملکرد الهیات را می کنند- حمل کنند.

(قَاتِلُوا الدِّينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الدِّينِ
أَوْ تَوَّأُ الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ)

[توبه: ۲۹]

ترجمه: با کسانی از اهل کتاب که نه به الله سبحانه و تعالی و نه به روز جزا (چنان که شاید و باید) ایمان دارند، و نه چیزی را که الله سبحانه و تعالی (در قرآن) و فرستاده اش (در سنت خود) تحریم کرده اند حرام می دانند و نه آیین حق را می پذیرند، پیکار و کارزار کنید تا زمانی که (اسلام را گردن می نهند و یا این که) خاضعانه به اندازه توانایی، جزیه را می پردازند (که يك نوع مالیات سرانه است و از اقلیت های مذهبی به خاطر معاف بودن از شرکت در جهاد و تامین امنیت و جان و مال آنان گرفته می شوند).

این جهاد برای برپایی این نظام بلند مرتبه تا هنوز بالای مسلمین یک فرض است:

(و قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ)

[انفال: ۳۹]

ترجمه: و با آنان پیکار کنید تا فتنه ای باقی نماند (و نیرویی نداشته باشند که با آن بتوانند شما را از دینتان برگردانند) و دین خالصانه از آن الله سبحانه و تعالی گردد (و مومنان جز از الله سبحانه و تعالی نترسند و آزادانه به دستور آیین خویش زیست کنند). پس اگر (از روش نادرست خود) دست برداشتند (و اسلام را پذیرفتند، دست از آنان بردارید، چرا که) الله سبحانه و تعالی می بیند چیزهایی را که می کنند (و کیفرشان می دهد).

شمشیر در اسلام حمل نشده بود، در نتیجه که گروه مردم اعتقادات اسلام را در آغوش گرفتند؛ لیکن جهاد به خاطر برقرار کردن نظام امن به بیرون از دولت اسلامی حمل شده بود، تا این که اسلام را امنیت دهند و به مردم با اعتقادات مختلف و در زیر سایه این نظام زنده گی کنند و از قوانین این نظام اطاعت کنند؛ حتی این که اعتقادات آنان را در آغوش هم نگیرند.

(لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ)

[بقره: ۲۵۶]

ترجمه: اجبار و اکراهی در (قبول) دین نیست.

این حق و شایستگی اسلام و این رسالت اسلام است که مردم را از بنده گی مردم آزاد نموده، به بنده گی الله یکتا و اداری نماید و تمام مردم را از این بنده گی نظام فاسد نجات دهد. پرستش الله سبحانه و تعالی تحقق پیدا نخواهد کرد، در فهم اسلامی و در عمل اسلامی تنها زیر سایه نظام اسلامی و این تنها نظامی است که الله سبحانه و تعالی بالای همه مردم وضع کرده است، برای فرمانروایان شان، فرمانروایی شان برای سیاه و سفید، دور و نزدیک و برای فقیر و ثروتمند یک قانون است که همه را به یک دید می بیند و به همه برابری می آورد. در دیگر نظام ها مردم غلام مردم است، بخاطر این که یک تعداد مردم بالای زنده گی تعداد دیگری قانون وضع می کند؛ بنابراین واجب است که اسلام این نظام ها را به عنوان مانع و سدی را از بین ببرد که مردم را از شناخت و درک پیام اسلام جلوگیری می کند.

این معنی کامل دین است که دین کاملاً به الله سبحانه و تعالی تعلق دارد؛ قضاوت و داوری فرمان برداری وجود ندارد؛ مگر به بنده گی الله سبحانه و تعالی برای مردم به عنوان قضیه سرنوشت ساز در برابر نظام ساخته ی دست بشر. موضوع مورد بحث جهادی است که فرض شده برای هدف معین و مشخص است. تاریخ اسلام گواهیست که پیامبر صلی الله علیه و سلم قبل از به قدرت رسیدن و تاسیس دولت اسلامی در مدینه اجازه جهاد را نداشت تا این که دولت اسلامی بعد از هجرت تاسیس شد و بعد از موجودیت دولت اسلامی جهاد بالای مسلمین فرض گردید.

اسلام جهاد را برای از بین بردن نهادهای مادی که مردم را از زنده گی کردن زیر سایه دولت اسلامی و قوانین اسلامی جلوگیری می کند، فرض گردانیده که آن مردم می خواهند دور از اجبار ظلم و نظام های ساخته بشر و غلامی اشخاص زنده گی کنند که آن نهادها یک شخص را به جای الله سبحانه و تعالی قرار داده-الله که خالق زمین آسمان است-، قوانین ساخته بشر را تطبیق می کنند، از هوا و هوس خود قوانین می سازند و حلال و حرام را خود تعیین می کنند.

ما از تحقیق خود از سیرت پیامبر صلی الله علیه و سلم دریافتیم که پیامبر صلی الله علیه و سلم هیچ وقت برای تاسیس دولت اسلامی متوسل به جنگ نشده است، برخلاف همه روش های اعمال شده بوسیله کفار قریش در جلوگیری کردن از راه الله سبحانه و تعالی، ظلم بالای مسلمین، آزار و اذیت پیامبر صلی الله علیه و سلم و صحابه مخلص شان تا این که فرمان مهاجرت بعضی آن ها به سرزمین حبشه برای حفظ دین شان دریافت کردند. پیامبر صلی الله علیه و سلم بیشتر از این به آل یاسر چیزی نگفت:

«صبرا آل یاسر فإن موعدهم الجنة.»

ترجمه: صبور باشید ای آل یاسر، الله سبحانه و تعالی به شما وعده ی جنت را داده است.

بنابراین در یک مثال پیامبر صلی الله علیه و سلم می بینیم که وقتی که دعوت را در مکه مکره حمل می کرد، هرگز به پافشاری قریش توجه نکرد که آن ها می خواستند وی را از راه الله سبحانه و تعالی دور کنند. هر نوع شکنجه و توطیه را بالای مسلمین تحمیل کردند؛ مگر او صلی الله علیه و سلم ثابت قدم بودن خود را ادامه داد و با وحی الهی حمایت می شد. او صلی الله علیه و سلم در دعوت خود متردد نشد، حتی در زمان ضعیفی و ناتوانی خود تا این که ثمره دعوت اش نمایان گردید، دعوت او گسترش یافت، مردم یثرب اسلام را در آغوش گرفتند، حمایت کردند و دین الله سبحانه و تعالی را و نخستین دولت اسلامی در مدینه تاسیس کردند.

حتی در بیعت دوم عقبه ما می بینیم که العباس بن عباد بن نضله به پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت: «سوگند به آن که شما را به حق مبعوث گردانیده است، اگر بخواهید فردا در سرزمین منی با این شمشیرهای مان بر قریشیان حمله خواهیم برد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند:

«لم نؤمر بذلك، ولكن ارجعوا إلى رحالكم»

ترجمه: به این کار مامور نشده ایم، به بار اندازهای تان بازگردید.

با توجه به آن کسانی که برای تاسیس دولت اسلامی از طریق جهاد مردم را فرا می خوانند ما یک تناقض را بین آن ها می بینیم که آن ها قاعده شریعت را نقض می کنند. تعریف جهاد در شریعت عبارت از تلاش بی نهایت در جنگ با کفار برای بلند نمودن بیرق اسلام و تطبیق شریعت الله سبحانه و تعالی به بلندترین حد ممکن آن می باشد. این جنگ شامل جنگ با مسلمانان نمی گردد. ما در می یابیم که سازمان های جهادی برای توجیه کردن ریختن خون مسلمانان، غیر مسلمانان و تخریب دارایی های شخصی به فتوی ها مراجعه می کنند؛ برای مثال: آن چیزی که در مصر اتفاق افتاد. ما در می یابیم که بعضی آن ها برای برگشت به فتوای تاتارها توسط (ابن تیمیه) تیوری ها را ابداع می کنند؛ الله سبحانه و تعالی بالای شان رحم کند که هدف قرار دادن کارکنان دولتی را جواز می دانند.

بعد از تحمل رنج و نبرد، آن ها اعتراف می کنند، منهجی را که آن ها پیروی می کردند، غلط بوده و بعد از ریختن خون و بی حرمتی به مقدسات آن ها آنان را رها می کنند. حقیقت امر این است که چطور سازمان های جاسوسی در بسیاری از این سازمان های جهادی نفوذ کردند، چه در الجزایز و مصر و چه در جاهای دیگر؛ سازمان های استخباراتی بدترین جنایات و توطیه ها را را به عنوان عمل تروریستی انجام می دهند. وقتی بسیاری از مردم تطبیق را از طریق دریای خون و لاشه ها و کشتار بی گناهان می بینند، وادار می شوند که از دعوت برای تطبیق شریعت فرار کنند. بعضی آن ها برای توجیه کشتارشان حکم می کنند که مسلمانان مرتد شده اند و در روش کشتار وحشیانه شان قدرت ابتکار را نشان می دهند که نه از پیامبر صلی الله علیه و سلم ثابت است و نه هم از صحابه کرام رضی الله عنهم. الله سبحانه و تعالی بالای شان رحم کند.

ما در می یابیم که پیامبر صلی الله علیه و سلم در فتح مکه وقتی که الله سبحانه و تعالی او را بالای مردم مکه غالب می گرداند، او صلی الله علیه و سلم مردم مکه را می بخشد و آن ها را آزاد می کند. هم چنان قبل از فتح شام خلیفه مسلمین ابوبکر صدیق رضی الله عنه برای سربازان اسلامی دستور می دهد و می فرماید:

«لا تخونوا ولا تغلوا، ولا تغدروا ولا تمثلوا، ولا تقتلوا طفلاً صغيراً، ولا شيخاً كبيراً، ولا امرأة، ولا تعقروا نخلاً ولا تحرقوه، ولا تقطعوا شجرة مثمرة، ولا تدبحوا شاهة ولا بقرة ولا بعيراً إلا لمأكلة، وسوف تمرون بأقوام قد فرغوا أنفسهم في الصوامع، فدعوهم وما فرغوا أنفسهم له»

ترجمه: از حدتان تجاوز و تعدی نکنید، خابن نباشید، اجساد مرده ها را قطع عضو نکنید، نه طفلی را به قتل برسانید و نه سالخورده ای را و نه زنی را؛ درختان خرما را نه از بین ببرید و نه بسوزانید. درختان میوه دار را قطع نکنید؛ گوسفندان، گاوها، و شتران را ذبح نکنید؛ مگر این که ضرورت خوردن داشته باشد. شما از مردمانی گذر خواهی کرد که خود را وقف رهبانگاه کرده است که شما آن ها را ترک کنید که آن ها خودشان را وقف کرده است.

پس چه باید گفت در مورد آن کسانی که برای خطاب کردن مسلمانان به عنوان کفار هیچ تردید ندارند و آن ها را به عنوان مرتد ملاحظه می کنند و ریختن خون، غنیمت کردن اموال و تجاوز به نوامیس شان را جایز می دانند؟ آن ها متوقف نشدند حتی تا این که همراه یکدیگر جنگیدند، آن قدر که آن ها با سلاح های شان بالای برادران دینی شان حمله کردند و بعد از آن آن ها ریختن خون شان را جایز دانستند.

آیا چنین افراد شایسته حمل اسلام به عنوان پیام رحمت و عدالت به سوی جهانیان هستند؟ آیا در اسلام جهاد این چنین وحشی گری است؟ در گذشته سرزمین هایی که توسط ارتش های اسلام فتح می شدند، متقاعد به رحمت و عدالت اسلام بودند و دسته دسته به دین الله سبحانه و تعالی داخل می شدند؟ ما در حدیث صحیح ذیل می بینیم:

«عن أنس أن غلاماً من اليهود كان مرض فأتاه النبي صلى الله عليه وسلم يعوده فقع عند رأسه فقال له أسلم فنظر إلى أبيه وهو عند رأسه فقال له أبوه أطمع أبا القاسم فأسلم فقام النبي صلى الله عليه وسلم وهو يقول الحمد لله الذي أنقذه بي من النار»

ترجمه: از انس رضی الله عنه روایت است که: پسر یهودی مریض شد تا این که پیامبر بزرگوار صلی الله علیه وسلم به عیادت آن پسر آمدند. او صلی الله علیه وسلم در پهلوی سر آن پسر نشستند و به آن پسر گفتند که به اسلام داخل شوید و آن پسر به طرف پدر خود نگاه کرد و او پسر هم چنان با سرش به طرف پدر خود خیره شد، پدرش برایش گفت: اطاعت کن ابا القاسم. بنابراین پسر اسلام را در آغوش گرفت، پیامبر بزرگوار صلی الله علیه وسلم برخاست و آنگاه گفت الحمدلله او پسر به وسیله من خود را از آتش جهنم محفوظ کرد.»

پیامبر صلی الله علیه وسلم با نجات پسر از آتش جهنم بسیار خوشحال بود، کجاست هدایت پیامبر صلی الله در اعمال آن مردم؟ تاریخ مسلمانان گواه است که دولت خلافت تاریخ درخشان ساخته بود و صفحات آن پر از دست آوردها در بخش های مختلف بوده است؛ نظیر آن در رهبری، توجه به امورات، ساینس، تمدن و... بوده است. سرزمین های اسلام زیر چتر دولت خلافت، سرزمین رهبران، دانشمندان، سرزمین عدالت و نیکی بود و امت خوشبخت با عدالت و رحمت اسلام زیر بود.

مسلمانان و غیر مسلمانان، آن زمانی که اروپا در دوره تاریکی و جهالت سردرگم بود، جایی که پسران دین مشابه یک دیگر را به قتل رساندند، آن ها هیچ راهی فرار را پیدا نکردند تا پناهگاهی باشد و از امنیت مسفید شوند؛ این امن و امان آسایش و پناهگاه در جای دیگری نبود به جز از سرزمین های خلافت اسلامی در بین مسلمانان و زیر تسلط اسلام. زمانی که کلیسا در اندلس تفتیش مذهبی می کرد، یهودیان مکان امن و بهتر نسبت به سرزمین های مسلمانان پیدا نکرد؛ پس آن ها به خاطر زنده گی کردن در بین مسلمانان به سرزمین های اسلامی مهاجرت کردند.

در فرجامین سخن، خشونت و بربری کور کورانه مبتنی بر فهم درست پیام اسلام و جزییات دساتیر شریعت نیست و این مغایر دساتیر پیامبر بزرگوار صلی الله علیه وسلم در منهج اش برای تاسیس دولت اسلامی است. امت اسلامی برگشت می کنند، به عنوان بهترین امتی که موجب سعادت زنده گی بشر خواهند شد و پیام عدالت و رحمت الهی را حمل خواهند نمود.

وقتی که سیرت پیامبر صلی الله علیه وسلم و خواست او را بررسی کنیم درمی یابیم که ماهیت دولت های امروزی مبتنی بر قوای نظامی عظیمی استوار است که نمی تواند از طریق برپایی گروه های مسلح غالب شود. حقایق واضح و آشکار اثبات می کند که حرکت های جهادی در هدف شان موفق نشدند، چنان که شرح داده شد. سازمان های استخباراتی به بسیار آسانی در این سازمان ها نفوذ کردند و این گروه ها را برای اهداف و مقاصدشان مورد استفاده قرار دادند. صحابه کرام با دسترسی اندک قوت مادی، پیامبر بزرگوار صلی الله علیه وسلم از متوسل شدن به برخورد مادی اجتناب می کرد و بر پیروزی بزرگ و سرنوشت ساز قوی و توانا که حفاظت از دولت موجود تازه تاسیس شده یا فشاری می کرد.

من به سخنان خود، با اظهار این مطلب خاتمه می دهم، تمام آن چیزهایی که من ذکر کردم به معنی آن نبود، در هر حالتی (درمورد مبارزه با جنایات) که از طرف کفار و متحدین شان در شرق و غرب هدایت می شوند، خاموش بمانیم. در مقابل امت اسلامی و سرزمین های اسلامی، برای کنترل حریم فضایی ما، تنگناها، آبناه ها و دریا های ما، به بهانه جنگ با تروریسم جمع می شوند که این همه فقط به معنی جنگ با اسلام و مسلمین است. این متخاصمین توسط حکام مسلمین کمک شده است که این حکام کمتر از آن ها جنایتکار نیستند. حکام را چوپانی فرض کنید که در مقابل گله اش مسوول است، این گرگان درنده از الله سبحانه و تعالی و بنده گان الله سبحانه و تعالی شرم ندارند که پیمان شان را آشکارا با قوای کفر در مقابل امت شان، برای گسترش نفوذ کفار اشغالگر می بندند. ما می بینیم حکام مراکش و الجزیره را که چطور پناهنده گان فراری از جهنم جنگ صلیبی در سوریه را تحقیر می کنند و آن چه که گفته شد بدون آن بود، آن چه را که حکام اردن، ایران، ترکیه، و دیگران در حال انجام دادن در مقابل برادرمان در شام هستند.

۲۸ رجب ۱۴۳۸ هـ.ق

۲۷ اپریل ۲۰۱۷ م